



Killer Beat

تیم ترجمہ وادیت الیوی سکای تقدیم می کند

Uploader: elik

translator: Artemis

editor: Raha & Nari

director: mioka

Aoi Sekai



داری چیکار
می‌کنی؟ بخورش.



... منظورت از
این حرف چیه؟



... حتماً
گلوٲ خشک
شده.

چرا...!!

قبلاً عادت داشتی
با یکم انسانیت و
نچایٲ پاهام
پر خورد کنی...!



برای خوردنش...
باید چهار دست و پا
بشتم و مثل سگ اون
رو قورت بدم.



واقعاً باید مثل یه
سگ رفتار کنم... مثل
یه نوع حیوون
خونگی...

!!
으악
으악

تکون خوردن

تکون خوردن

اون چان.

تو خیلی
حرف گوش
نکنی، هان؟

باید سرت رو به
زور پایین بیارم
تا بخوریش؟



نفس
نفس...!



اگر اون معجبورم
کنه... شاید... یه
چورایی خوب
باشه...

نه! دارم به چی
فکر می کنم؟! این
خوب نیست!



اما هنوزم...
یه چیز واضحه-



اینکه من
نمی‌خوام
ناامیدش کنم.

همینه.





زیاد بخور.



اون چان،
موقع خوردن
گوش کن.

من رقتم
برادرت رو
بینم.



برادرم...

حالش خوبه؟
اون رو تو زیر زمین
زندانی اش کردی؟

نه، زندانی اش
نکردم. اما...

یه لحظه فکر
کردم حامله اش
کردم یا یه همچین
چیزی.

نابی خیلی خوب بلد نیست
از کلمات استفاده کنه.

برادرت
خیلی جالبه.

چی شده؟
هیونگ اون با
پیکار می کرد؟

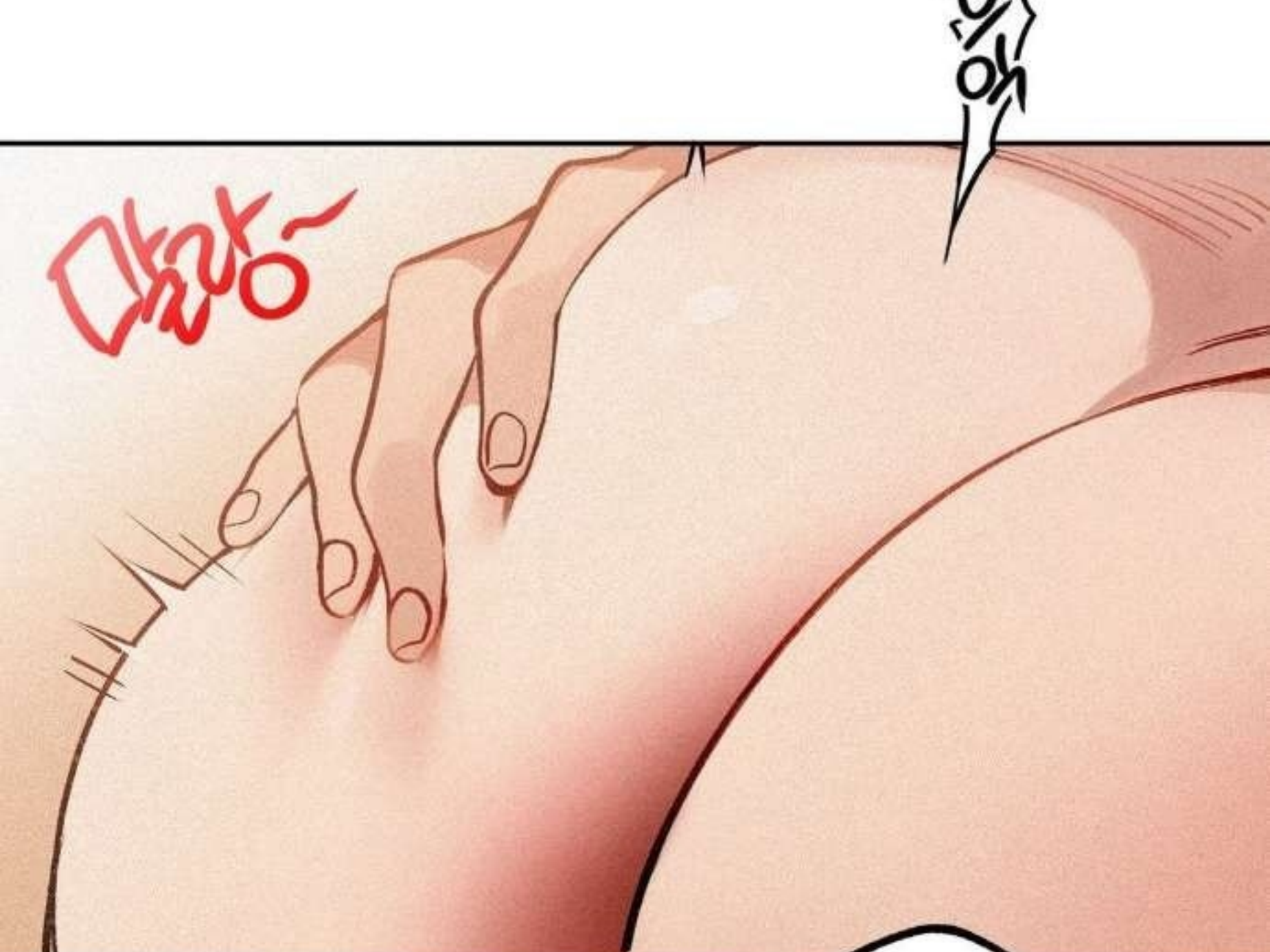
دین یه غریبه ی
جوون و خوش قیافه،
حامله کردنش - یه
پیزی اش جالبه؟

نمی دونم. فقط بیا
بخوابیم و فردا در موردش
فکر کنیم



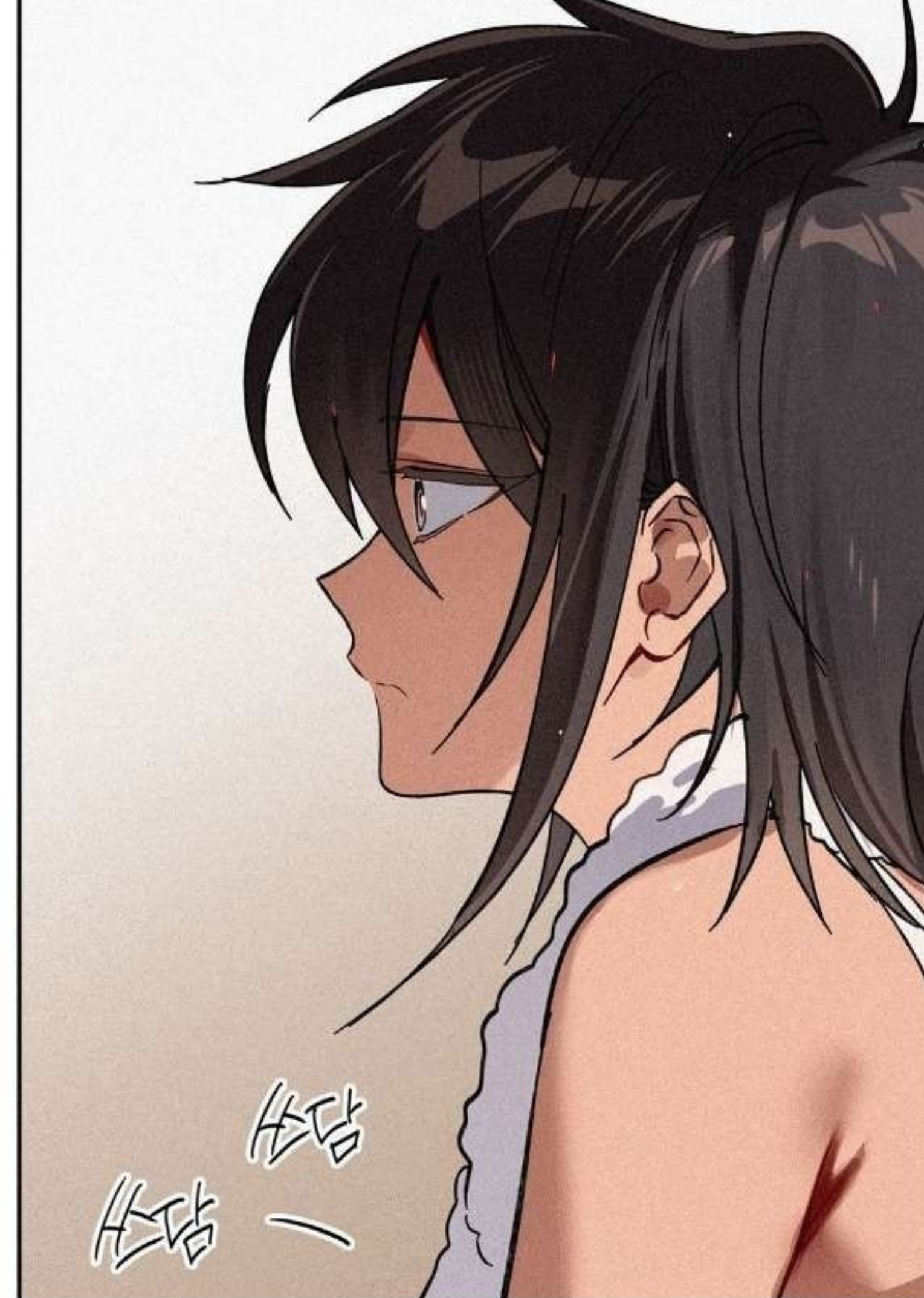
من از اون
شین بون
عوضی جوون ترو
فوش قیافه ترم
می دونی که؟

من خیلی
جالب ترم!



حرف زدن
کافیه.

باید مایعات زیاد
بخوری تا زمانی که
خوب بشی.



من جوتو بهت
بخشیدم - پس چرا فرار
نمی‌کنی؟ واقعاً این‌جا
رو دوست داری؟



آره.
دوست دارم.

این سندر
استکلمه.

... لطفاً بذار
این‌جا بمونم.

نه. برو
بیرون. خودت
خونه داری.

تپ! تپ!

نمی‌خوام!

*پدیده‌ای روانی ست که در اون
گروگان‌ها، به پای احساس تنفر و ترس
نسبت به گروگان‌گیر یا سوء استفاده‌کننده،
مس همدلی، همدردی، و حتی وفاداری
پیدا می‌کنند.

من خوب رفتار
می‌کنم. هر کاری بگی
انجام میدم.



پس حرف نزن،
برای گلو ت ضرر
داره.

!..

خسته ام.
بیا صبح حرف
بزنیم.

کاری از تیم
ترجمه و ادیت آنوبی سکای
ما رو فقط در کانال تلگرامی
@AoiSekai
دنبال کنید

دنبالم بیا.

ص-ص صبر کن،
می‌خوایم همین‌جا
بنویسیم؟ با هم تو
یه فضا؟

AS



می‌خواهی
برگردونمت
همون جایی که
بودی؟

نه...

پس همین
که هست.



تو واقعاً
چیز دیگه ای...



من اول
میرم بخوابم.

두근
두근..



همین که انقدر به
هم نزدیک باشیم
داره باعث میشه
بلرزیم...!!

لباس هایی که
نابی براش خریده
[یکم تنگه]

پس اون هم
واقعاً می خوابه،
هاه...

اون کیه واقعاً؟
چند سالشه؟



من ارش
موشم میاد.

می‌خوام کسی
باشم که بهش
کمک می‌کنه.



پس...



مدتی میشه
که یکی

اون پیرون
کمین کرده.



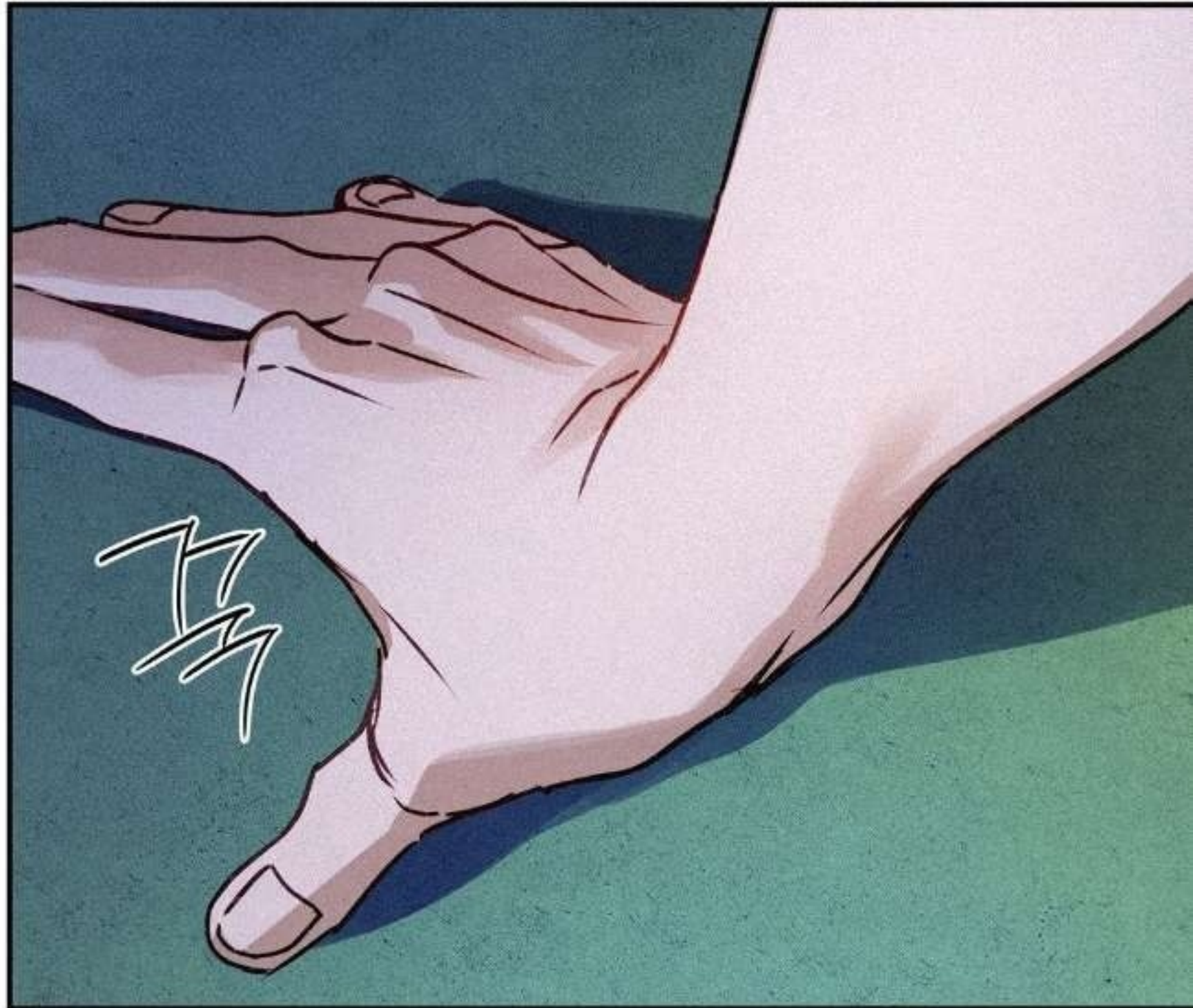
اون کیه؟ که یواشکی
(اینجا بدون ترس پرسه
می‌زنه... باید همین الان
پیرونش کنم-)



نه،
صبر کن.

باید یه جسدی
باشه، فقط این جوریه
که خورده نمیشم.

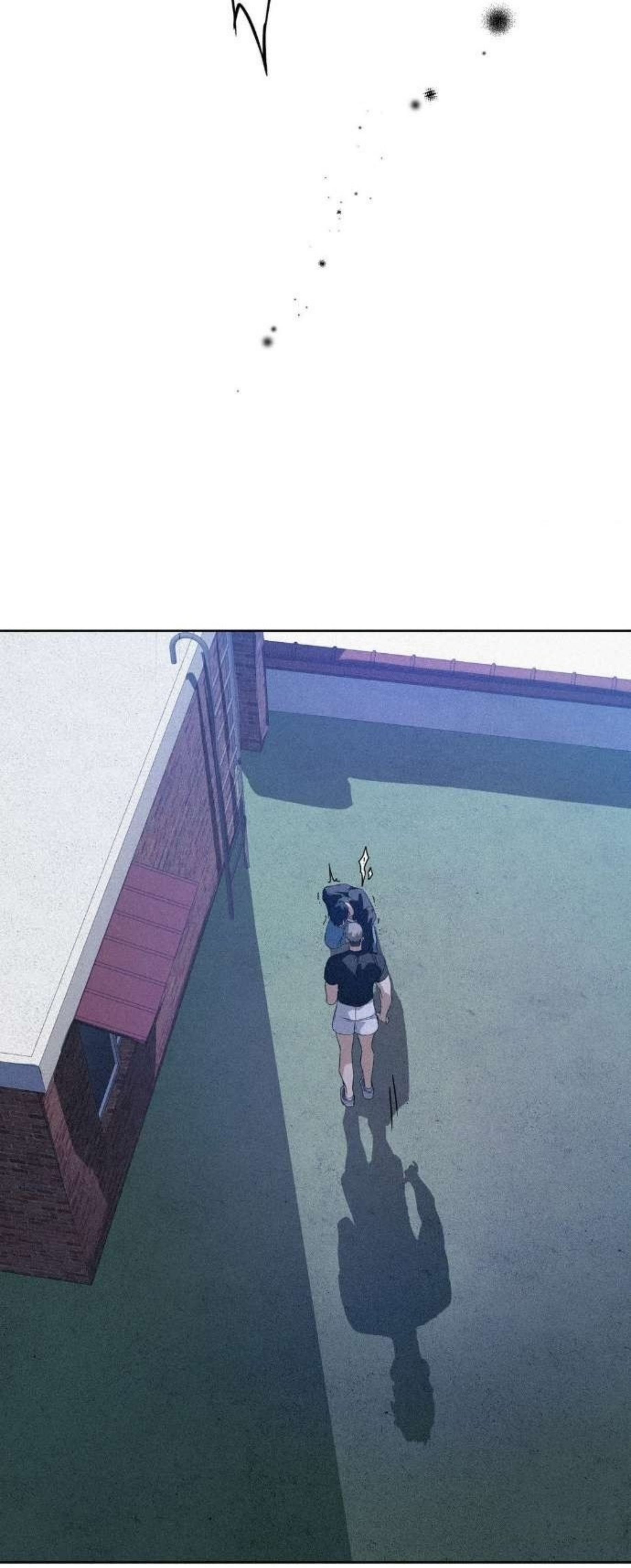
نونا به یه
جسد نیاز داره.



اگر می‌خوام
مفید بودنتم
رو بهش ثابت
کنم...

باید اون رو بکشم
و جسدش رو بهش
تقدیم کنم!







اون یه حرکت
ماهرانه بود...

اون فقط یه
دزد معمولی
نیست.

یعنی ممکنه اون
واقعاً بدونه که تون
کیه... و به خاطر
همین به (پنجا)
اومده باشه؟

نمی تونم
بذارم فرار کنه.



تو کی هستی؟



خودت رو معرفی کن!

가득

AS

تو دیگه
کروم خری
هستی؟!

تنها هیولایی
که این با زندگی
می کنه اون
زنه...!









ن- نه، این طور
نیست...

اون چیه
تو دستت؟

موقع دعوا
گرفتمش.

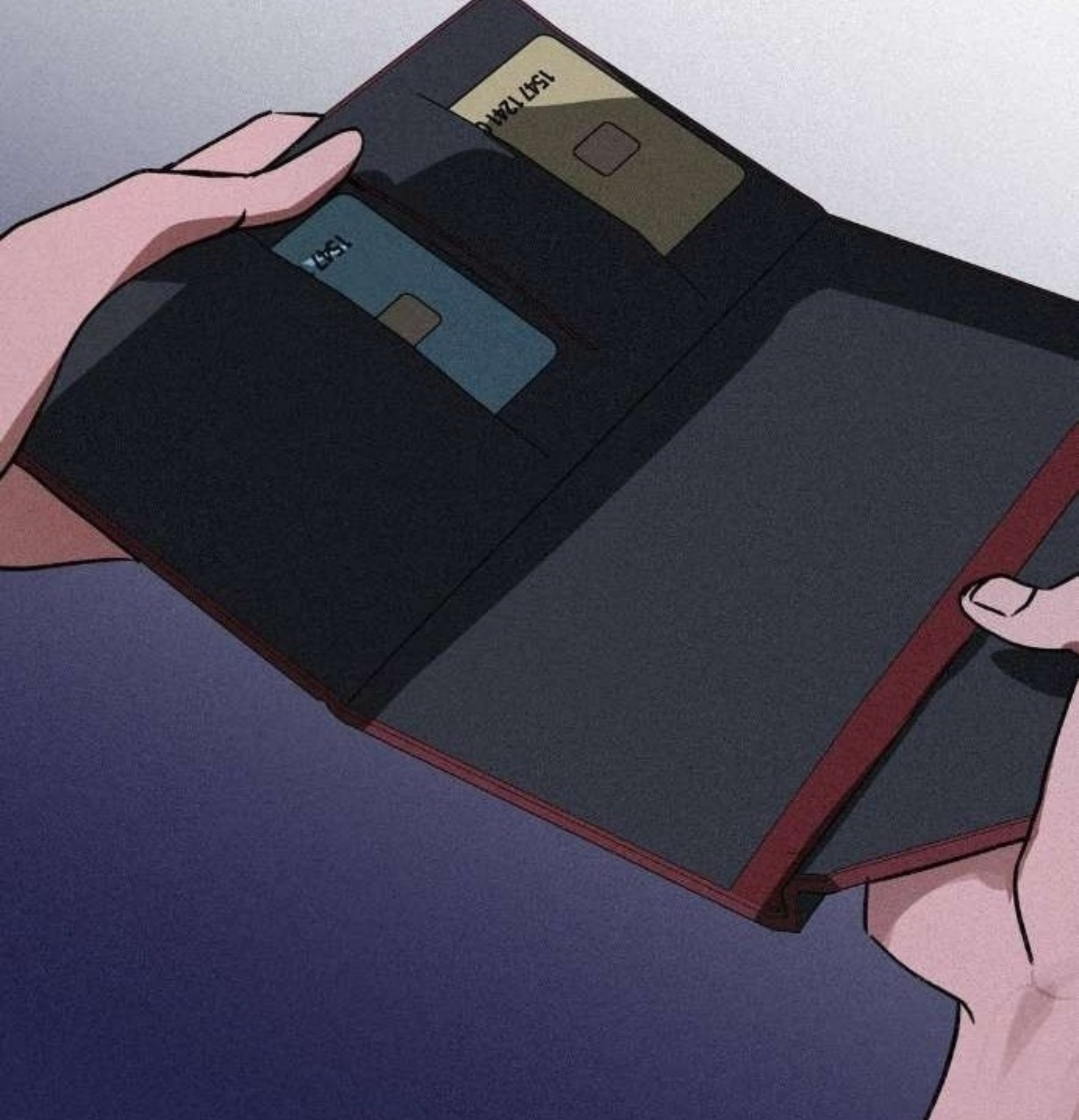
فای



!..



چایووان...



سرویس اطلاعات ملی -
فرمانده تیم فنی مرکز
مهار ویژه ...

بدبخت شدم...

این... اون
واقعاً برای من
اومده بود، نه؟



کاشننده
ضربه سی

چیترا: ۱۰

ادامه دارد...

سلام
این فایلی که هم اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoi Sekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)